

خانواده‌ی اهل مسجد

محمدحسین مردانی نوکنده

چکیده

انسان متشکل از جسم و روح است. همان‌گونه که جسم محتاج و نیازمند غذاست، روح نیز محتاج غذاست. اگر غذای جسم مادی است، غذای روح معنوی است. آنچه به خانواده‌ها آرامش و راحتی می‌بخشد محبت، صمیمت و اخلاق شایسته‌ی اعضای خانواده است. از آنجاکه محیط خانواده باید پرورشگاهی خوب و مناسب برای کودکان باشد، لازم است پدر و مادر هرچه‌بیشتر در تحکیم اجتماع کوچک خانواده بکوشند و با اخلاق نیکو و رفتار شایسته محیطی سالم و آرام به‌وجود آورند. محبت و صفای باطنی اساس و زیربنای تربیت فرزند است. در خانواده‌ی اهل مسجد، بهترین و عالی‌ترین مراقبت روحی آن است که والدین فرزندان و اعضای خانواده‌ی خویش را به‌گونه‌ای تربیت کنند که از خداوند متعال اطاعت کنند و همواره نماز را اقامه کنند. باید توجه داشت که فقط در خانواده‌های اهل ایمان و مسجد انسان‌های بزرگ ظاهر می‌شود و مسیر تاریخ را براساس اراده‌ی والای خویش تغییر می‌دهند. در این نوشتار شاخصه‌های خانواده‌ی اهل مسجد را بررسی می‌کنیم. در پایان مقاله نیز خانواده‌ی علی (علیه‌السلام) و فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را الگویی برای همه‌ی جهانیان، به‌خصوص خانواده‌های اهل مسجد معرفی می‌کنیم.

اشاره

نهاد خانواده به مطالعه‌ی تعمیق و عبرت‌آموزی دائمی نیاز دارد؛ زیرا چندبعدی است و راز و رمزهای فراوانی دارد. اینکه بر بقای خانواده تأکید فراوان می‌شود و بسیاری از سعادت‌ها و شقاوت‌ها از درون خانواده ریشه می‌گیرد، همه دلیل بر ظرافت، اهمیت و پیچیدگی این نهاد مهم انسان‌ساز است. برنامه‌ریزان، به‌ویژه آنانی که در نهادهای

فرهنگی - تربیتی فعالیت می‌کنند، نباید به این مهم بی‌اعتنا باشند و از بررسی مسائل خانواده و ارائی راه حل برای مشکلات و معضلات آن غافل بمانند خداوند در قرآن، خانواده را با نام «آیه» معرفی می‌کند و آرامش قلب آدمی را در گرو داشتن خانوادگی سالم و بالیمان می‌داند؛ همین معرفی الهی بهترین نشانه بر اهمیت فراوان این نهاد است. آیهی الهی بودن نکات حکیمانهی زیادی در خود مستتر دارد هرچه نشانهی خدا شود، به منزلهی این است که صفات الهی در او بروز و ظهور پیدا کرده است و آن قدر قابلیت دارد که هم می‌توان راه خدا و مسیر بندگی را در آن آموخت و هم با آن بسیاری از حقایق را باور کرد. اگر خانواده‌های اهل ایمان و مسجد به این نکته توجه کنند که رابطه‌ی مرد و زن در خانواده جلوه‌ای از جلوه‌های الهی است و قاعده‌مندی‌های درونی آن باید با الهام از صفات الهی استنباط شود، زمینه‌های سعادت‌مندی در آن خانواده شکل می‌گیرد.

خانوادگی اهل مسجد و نماز باید تلاش کند نشانه‌هایی از عدل الهی، علم الهی، قدرت الهی، قداست الهی و سایر صفات را در خود پرورش دهد و مودت را بمشابهی اکسیر عظیم خانوادگی سالم و متعادل رعایت کند؛ همچنین با پیوند عاطفه و عقلانیت در پرتوی عنایات الهی، سعادت واقعی را رقم بزند عشق و علاقه به زندگی مستقل، ارضای غرایز از جمله غریزه‌ی عاطفه و آرام‌زیستن در کنار همسر انگیزه‌ی تشکیل خانواده است. قرآن نیز در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم باین مسئله اشاره کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و نشانه‌های خداوندی این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید.

در هر خانواده فرزندان مقلد می‌شوند که باید تربیت شوند، البته در فرایندی الهی و معنوی؛ زیرا فرزند باید محصول چنین روندی باشد تا براساس فطرتش به‌سوی مقصد سیر نماید. تربیت در عالم انسانیت مانند عشق به زیبایی در عالم هنر است. تربیت کودک را نمی‌آفریند بلکه او را در راه انسان شدن شکوفا می‌کند. انسان‌شدن نتیجه‌ی منطقی تربیت درست است. درواقع، تربیت پاسخی معقول و رضایت‌بخش به معنای هستی کودک است. در خانواده‌ی اهل مسجد تربیت رازورمزهایی دارد که دانایی، توانایی و به‌کاربردن اصولی را

می‌طلبد. تربیت شور و عشق می‌طلبد و والدینی در این امر موفق‌اند که عملاً درست زندگی کنند و الگوی مناسب داشته باشند

اما چگونه می‌توانیم خانوادگی ایده‌آل، متعادل و اهل مسجد داشته باشیم؟ این سؤالی است که می‌کوشیم، در این مقاله، با شاخصه‌ها و نمونه‌های کاربردی به آن پاسخ دهیم و با تمسک به این شاخص‌ها و معیارها قدمی در تعادل بهتر خانوادگی خویش برداریم

اهمیت و نقش مسجد

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيئُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»، ملازم مسجد دست‌کم با یکی از این سه به خانه‌اش برمی‌گردد: با دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند او را با آن دعا به بهشت می‌برد یا دعایی می‌کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی‌گرداند یا برادری که در راه خدای عزوجل از وجودش بهره‌مند می‌شود.

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست. بنابراین، در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری، تکیه شده است. مسجد جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱، و مساجد ویژه‌ی خداست پس هیچ‌کس را با خدا مخوانید. مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۲، به دادگری فرمان داده است (اینکه) در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید و درحالی‌که دین خود را برای او خالص گردانید و وی را بخوانید مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است: «سُبْحَانَ

^۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۵.

^۲. سوره ی جن، آیه ۱۸

^۳. سوره ی اعراف، آیه ۲۹

الَّذِي أُسْرِيَ بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى^۴، منزّه است آن [خدایی] که بندهاش را شبانگاهی از مسجدالحرام بمسجدالاقصی که پیرامون آن را برکت دادیم - سیر داد

یکی از نقش‌های اساسی مسجد فراهم کردن زمینه‌ی عبادت جمعی و خالصانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس بگیرند ابعاد تربیتی مسجد با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت پرورش‌دهنده‌ی روح و روان آدمی است و پاسخ به آن پاسخ به نیازی طبیعی است. کسی که به نیازهای جسمی و روانی خود به‌طور منطقی پاسخ می‌گوید، شخصیتی متعادل پیدا می‌کند. عبادت و رازونیز با خداوند نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل (بلکه مقوم) شخصیت اوست. البته، عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به‌طور نسیجی تأمین می‌کند؛ ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. بر این اساس، باید گفت انسان به‌طور فطری معبد و مسجد را دوست دارد و به آن عشق می‌ورزد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان، نخبگان و صالحان جامعه بستری مناسب برای آموزش، تربیت، پرورش و کمال آن‌ها فراهم می‌کند. در مکتب تربیت اسلامی و بسیاری مکاتب دیگر «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود. مسجد با فراخوانی پیوسته‌ی مسلمانان به جمع و روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند.

افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به‌طور طبیعی با حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود. مسجد پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. مسجد در جایگاه اصیل خود الگوی ارزش‌گذاری است و ارزش‌های فراموش‌شده در مسجد مطرح می‌شود.

^۴. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

مسجد؛ صفا بخش روح و جان

همه روزه با پخش صوت قرآن و اذان فضای شهر آکنده از یاد خدا می‌شود. هنگامی که صدای ملکوتی قرآن و اذان سراسر شهر را فرامی‌گیرد، رایحه‌ی معطر «کلام الهی» چشمان خفته را از خواب غفلت بیدار می‌کند، فکر و روح را به ملکوت می‌برد و همه‌ی وجود انسان خدایی می‌شود. با بانگ اذان در سحرگاه بوی عطر دل‌انگیز یار در همه‌جا می‌پیچد و رنگ خدا در تاریکی سحر تجلی بیشتری پیدا می‌کند و آن گاه انسان حس می‌کند تنها نیست و کسی با اوست که برائش محبت و عشق را فارغ از همه‌ی افت‌وخیزهای دنیا زمزمه می‌کند. برخی مردم در طی روز با شنیدن اذان به مسجد می‌روند و ضمن ادای فریضه‌ی نماز و حضور در این مکان مقدس، غم‌ها و شادی‌های خود را با یکدیگر تقسیم می‌کنند و با تجدید بیعت روزانه مشکلات خود را به فراموشی می‌سپارند.

مسجد از دیرباز نقشی مهم در زندگانی همه‌ی ایرانیان ایفا کرده است؛ زیرا حفظ، تعلیم و تفسیر قرآن کریم، که سرآغاز آموزش و پرورش اسلامی است، در مساجد صورت می‌گرفته است. نقش مسجد فقط به ادای نماز یا عبادت محدود نبوده است؛ بلکه از آن به مثابه‌ی مرکز آموزش و پرورش نیز استفاده می‌شده است و این کار اکنون نیز در بسیاری از مساجد انجام می‌شود. از زمان ظهور اسلام مسجد «نماد اسلام» بوده است و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، با سوق دادن عمده مراکز عمومی و حکومتی به مساجد، در واقع مسجد را کانون نظام سیاسی جهان اسلام قرار داد. حکومت اسلامی در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، برای اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی، همواره سعی خود را برای رتق و فتق امور به مساجد معطوف می‌کرد و مسجد در آن زمان نه تنها مکان ادای فرائض دینی بود، بلکه به گونه‌ای عمارت حکومتی نیز بود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و اجتماعی در مسجد صورت می‌گرفت و حتی طرح بسیاری از عملیات‌های نظامی در مساجد پیاده می‌شد. رفته‌رفته، نزد غیرمسلمانان جهان، مسجد به یکی از مهم‌ترین مراکز و نمادهای اسلام تبدیل شد؛ به گونه‌ای که موجودیت حکومت اسلامی نیز لب‌آن شناخته می‌شد. به همین علت، در سراسر سرزمین‌های فتح‌شده، به محض استقرار حکومت اسلامی، خلفای اسلامی مسجدی می‌ساختند و آن را پایگاه اجتماع مسلمانان قرار می‌دادند.

مسجد پایگاه وحدت امت اسلامی و محل تقرب به درگاه الهی است و جایگاهی ویژه نزد مسلمانان دارد. مسجد مهم‌ترین پایگاه برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران بوده است و نقشی اساسی در پیروزی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشته است. مسجد می‌تواند بهترین پایگاه برای وحدت و هماهنگی مسلمانان، مبارزه با هوای نفس و مبارزه با استکبار و استبداد باشد. این فضای فرهنگی پایگاه عبادت است و می‌تواند بهترین نقش را در از بین بردن مسائل ضدفرهنگی ایفا کند. مسجد مکانی است که مسلمانان را متحد می‌کند و می‌توان موضوعات مختلف به‌ویژه مشکلات مردم، را در آن مطرح و حل کرد. مسجد محلی است که انسان را از گناه و معصیت باز می‌دارد و او را به خداوند نزدیک‌تر می‌کند.

شاخصه‌های خانوادگی اهل مسجد

۱. محبت و صمیمیت

خانوادگی اهل مسجد خانوادگی سرشار از محبت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی اسوه و الگویی برای سایر خانواده‌هاست. کودک می‌خواهد پدر و مادر بیش از حد او را دوست بدارند و به او اظهار علاقه کنند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده‌اش در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه؛ اما به این موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش دارند یا نه. این احساس درونی را چیزی جز محبت و نوازش خانوادارضا نمی‌کند.

اخلاق و شخصیت آینده‌ی فرزندان در همین اظهار محبت‌ها شکل می‌گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش‌های مخلصانه‌ی پدر اهل مسجد است که روح بشردوستی و علاقه به هم‌نوع را در فرزند می‌دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌کند؛ همچنین او را از گوشه‌گیری و انزوا نجات می‌دهد. به واسطه‌ی محبت خانوادگی اهل مسجد است که فرزند احساس شخصیت می‌کند و خود را لایق دوستی می‌داند.

همین استعداد عاطفی در انسان، همراه با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به‌سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می‌شود. این فضایل که در مسجد پایه‌ریزی و نهادینه می‌شود، همه‌ی کمالات را شامل می‌شود؛ از قبیل محبت، دوستی، فداکاری، گذشت، بخشش، همکاری، دلسوزی و به‌طور کلی تقدم غیر بر خود. در همه‌ی این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواه‌بودنش از دایره‌ی تنگ «خود» قدم فراتر می‌گذارد و گامی به‌سوی غیر برمی‌دارد. انسان با مقدم‌داشتن دیگری بر خود و در دل گرفتن مهر و علاقه‌ی او از فردیت خویش خارج می‌شود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «آگاه باشید که مودت و دوستی مؤمن از بزرگ‌ترین عوامل ایمان است» و در جایی دیگر فرموده‌اند: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید مگر اینکه همدیگر را دوست بدارید».

۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس

روانشناسان می‌گویند تربیت‌کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند؛ همچنین او را بزرگوار و باشخصیت بار بیاورد خانواده‌هایی که به فرزندان احترام می‌گذارند، آن‌ها را کوچک می‌کنند و شخصیتشان را خرد می‌کنند، به‌طور طبیعی فرزندان ترسو و بی‌شخصیت بار می‌آورند که خود را زبون و بی‌ارزش می‌پندارند هنگامی که این فرزندان بزرگ شوند، خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند چنین افرادی در اجتماع منشأ هیچ اثری واقع نخواهند شد و به‌آسانی زیر بار ذلت خواهند رفت. اما اگر فردی در خانواده‌ی اهل مسجد رشد کند، خودش را بزرگ و باشخصیت می‌بیند؛ لذا به کارهای پست تن نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی‌رود. برای پرورش شخصیت انسانی کودک باید صفات خوب او را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران توصیف و از او تعریف کرد و بزرگی نفس را به او تلقین کرد که بهترین شیوه‌ی آن در خانواده‌های مسجدی و اهل نماز دیده می‌شود.

همچنین، خانواده‌ی اهل مسجد کودکان خود را دوست دارد؛ زیرا محبت‌داشتن اساس عزت است. از سویی، اعتماد به نفس انسان را در شناخت و انتخاب هدف‌عالی رهنمون می‌کند. برای توفیق در کارها هیچ‌چیز به اندازه‌ی اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر نیست. اگر از اجرای کاری بترسید و فکر کنید که قادر نیستید آن را

انجام دهید امکان ندارد آن کار را به نحو مطلوب انجام دهید. ترس نیروی محرکه‌ی ماشین را، که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد، از کار می‌اندازد و نقش ترمز را ایفا می‌کند. درمقابل، اعتماد و ایمان به توانستن و خواستن شتاب‌چنین ماشینی را افزایش می‌دهد و بر کارایی آن می‌افزاید.

۳. تربیت دینی

در خانواده‌ی اهل مسجد، اساس تربیت متکی بر «تربیت دینی» است. خانواده‌ی خداپرست از آنجاکه جهان مادی را با همه‌ی نعمت‌ها و موهبت‌هایش همواره در حد «وسیله» می‌نگرد و سعادت و نیک‌بختی خویش را هرگز در گرو عوامل مادی نمی‌داند، نه تنها ناملایمات و ناکامی‌ها روحیه‌اش را تضعیف نمی‌کند، بلکه همین مشکلات و ناملایمات در حکم وسیله‌ای هستند که مانع آرامش روحی آنان می‌شود و جلوی هرگونه سستی حاصل از خوگرفتن به‌زندگی بی‌دغدغه را می‌گیرد.

جهان سرد ماشینی و بی‌روحی که در بینش مادی وجود دارد، برای خانواده‌ی باایمان به جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا تبدیل می‌شود که به زندگی روح، معنی و هدف می‌بخشد. در سایه‌ی تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعه‌ی جهان و به‌خصوص زندگی انسان، که از علم و حکمت مطلق خداوند سرچشمه گرفته است، تقدس می‌یابد و ارزشمند می‌شود. تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که هر جا ایمان واقعی تجلی پیدا کند، عالی‌ترین جلوه‌های انسانی را با خود به‌همراه می‌آورد. «ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می‌بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی» و «تنهایی و غربت» رها می‌کند، بلکه به زندگی روح و صفا می‌بخشد و شوق و حرکت می‌آفریند.

۴. خلاقیت

خلاقیت و ابتکار عمل ثمره‌ی شایسته‌ی خانواده‌های اهل مسجد و عبادت است؛ زیرا در چنین خانواده‌ی بستر رشد همه‌ی استعدادها فراهم است. لازمه‌ی خلاقیت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نوست. به‌طورکلی، ویژگی‌های تفکر خلاق را، که در خانواده‌ی اهل مسجد بروز می‌کند، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. جرئت و شهامت اظهار نظر؛ ۲. حقیقت‌جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛ ۳. اجتناب از سطحی‌نگری؛ ۴. نگاهی غیر مرسوم به اشیا و پدیده‌ها؛ ۵. داشتن انگیزه و دانش وسیع؛ ۶. داشتن طرز تکفر انتقادی؛ ۷. داشتن پشتکار و انضباط؛ ۸. افق‌های دید وسیع؛ ۹. تلاش اجتهادی.

۵. نظم، انضباط و وقت‌شناسی

از جمله شاخص‌های مهم اعضای خانوادگی اهل مسجد و نماز رعایت نظم، انضباط و وقت‌شناسی است. همچنان‌که انضباط و وقت‌شناسی از ارکان زندگانی نمازگزار است، هر یک از افراد خانوادگی مسجدی باید برای رعایت حال دیگر اعضای خود را منظم کنند و در وقت مخصوص انجام ده‌ت. در خانوادگی که نظم حاکم است، آرامش و صفا و صمیمیت برقرار است و همگی افراد بدون نگرانی، ناراحتی و ایجاد مزاحمت برای دیگران کارهای خود را انجام می‌دهند.

حضرت علی (علیه‌السلام) به دو فرزند عزیزش، امام حسن و امام حسین (علیه‌السلام)، می‌فرماید: «أَوْصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»^۵، شما و همه‌ی فرزندانم و خاندانم و هر کس را که نامه‌ام به او می‌رسد به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم.

از جمله نکات مهم و برجسته در زندگی مردان بزرگ نظم و وقت‌شناسی آنان است. درباره‌ی امام خمینی (قدس سره) نوشته‌اند: امام در عین پرکاری و تلاش مداوم بسیار منظم بودند در واقع، یکی از اساسی‌ترین رموز موفقیت امام در زندگی نظم ایشان بود. اطرافیان امام زندگی ایشان را به‌صورت ساعت خودکار درک کرده بودند و از این‌رو دستور کار خود را از روی کار امام منظم می‌کردند.

۶. پاکی و طهارت جسم و جان

خانواده‌های مؤمن، نمازگزار و مسجدی سلامت جسمانی و روانی دارند؛ زیرا آلودگی هر یک از این دو انسان را از تعادل خارج می‌کند و او را در مسیری ناشایست قرار می‌دهد. در اسلام، نظافت و طهارت باغذازهای

^۵. نهج البلاغه، ص ۴۲۱.

اهمیت دارد که یکی از هدف‌های دین و جزئی از ایمان شمرده شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است که پاکیزگی جزو ایمان است. امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «پاکیزه کردن منزل نیازمندی را برطرف می‌کند». همچنین، امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «مسواک کردن از آداب پیامبران است». خانه‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که الگویی برای همه‌ی خانواده‌های اهل مسجد است، با همه‌ی سادگی همیشه پاکیزه بود. حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمودند: محوطه‌ی جلوی خانه‌ی خود را جارو بزنید و تمیز کنید. آن بزرگوار مردم را از نشسته رها کردن ظرف‌های غذا و همچنین بدون سرپوش گذاشتن ظرف آب و غذا نهی می‌کردند. رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دستور داده بودند آب‌ها را مطلقاً آلوده نکنند و موقع شست و شوی بدن داخل نهرها نشوند. پس، اگر بخواهیم الگویی برای خانواده‌ی اهل مسجد و نماز ارائه‌دهیم، از جمله‌ی آن‌ها پیروی از کلام خداوند و دستورهای پیشوایان دین است درباره‌ی پاکیزگی جسم و جان. به‌دیگرسخن، سلامت جسم و جان آغاز تکامل اعضای خانواده‌ی اهل مسجد است

۷. عدالت

خانواده‌ی اهل مسجد عدالت را در همه‌ی مراحل زندگی و امور رعایت می‌کند؛ زیرا خانواده‌ی فاقد عدالت از حالت تعادل خارج می‌شود و نمی‌تواند پرورش‌دهنده‌ی انسان‌های بزرگ در آینده باشد. سعادت‌مندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛ زیرا در فرزندان تمایلات و استعداد‌های گوناگون و حتی متناقضی وجود دارد و اگر پدر و مادر عدالت و مساوات را رعایت نکنند و فرزندی یا عضوی را بر دیگری ترجیح دهند، قطعاً دشواری‌هایی ایجاد می‌شود و چه بسا آرامش خانواده در خطر می‌افتد. گاهی سرچشمه‌ی کینه‌توزی‌ها و بدبینی‌ها را باید در همین جا پیدا کرد. بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها سه خطر را متوجه خانواده‌ها می‌کنند:

۱. فرزند به خواهران و برادران محبوب‌تر از خود بدبین می‌شود و کینه به دل می‌گیرد؛

۲. در برابر والدین احساس خشم و کینه می‌کند؛

۳. بی‌اعتنایی و تبعیض شخصیت طفل را ضعیف می‌کند و موجب می‌شود در همه‌ی مراحل زندگی احساس حقارت کند.

در خانواده‌ی نمازگزار و اهل مسجد والدین در توزیع توجه، محبت و نگاه به فرزندان براساس آموزه‌های پیشوایان دین و با نهایت عدالت و انصاف رفتار می‌کنند. آنان به فرزندان خود مستقل از جنسیت، سن، زیبایی و هوش محبت می‌کنند و از مقایسه‌ی فرزندان خود که موجب ناراحتی و آزرده‌گی آنان می‌شود پرهیز می‌کنند.

۸. مشورت

از جمله شاخصه‌های اعضای خانوادگی مسجدی توجه به اصل مشورت و همفکری در اداره‌ی زندگی خانوادگی است. پدر و مادر و فرزند باید در سامان‌بخشیدن به امور زندگی و تنظیم برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از این امر مهم استفاده کنند. تحکم و زورگویی، امرونی‌های یک‌طرفه و رفتارهای تحقیرآمیز صفا، صمیمیت، رفاقت و دوستی را از محیط خانه دور می‌کند.

پدران و مادرانی که در کمال صداقت، یک‌رنگی و احترام به شخصیت فرزندان با آنان در امور خانه مشورت می‌کنند، اسرار زندگی خود را با آنان در میان می‌گذارند، از راهنمایی‌های آنان استفاده می‌کنند و آمرانه با آنان سخن نمی‌گویند باعث می‌شوند فرزندان نیز به آنان احترام بگذارند و با آنان مشورت کنند. در چنین خانواده‌های متعادل و مسجدی نوجوانان و جوانان احساس می‌کنند عضوی از خانواده هستند و به‌نظرهای آنان توجه می‌شود. بنابراین، از بسیاری انحرافات ناشی از کمبودهای عاطفی و شخصیتی در امان‌اند. کمبودهایی همچون احساس حقارت، کینه‌جویی، خشونت و گریز از خانه. مشورت‌های خانوادگی رابطه‌ی اعضای خانواده را دوستانه می‌کند.

۹. دانشجویی و حقیقت‌طلبی

دانشجویی و طلب علم از شاخصه‌های مهم خانوادگی مسجدی است؛ زیرا دین اسلام علم را چراغ عقل، زینت اغنیا، جمال فقر و بهترین هدایت می‌داند و هیچ گنجی را نافع‌تر از علم نمی‌داند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ»^۶، دانایی سرآمد همه‌ی خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه‌ی بدی‌هاست. والدین اهل مسجد، باید فرزندان خود را به علم و دانش تشویق کنند و فضایل، ارزش‌ها و مزایای علم و علما را به آنان تذکر دهند. والدین باید یادآور گردند که علما و دانشمندان وارثان پیامبرانند و جایگاهی والا و درخشان دارند؛ جایگاهی که انبیا، شهدا و جانبازان راه خدا به آن غبطه می‌خورند. خانوادگی که در مسجد رشد و تعالی یابد، می‌داند علم و آگاهی نخستین شرط موفقیت انسان و حتی پایه و اساس سعادت اوست. او می‌داند خوشی‌های دنیا و آخرت لب‌علم به‌دست می‌آید؛ بنابراین همه‌ی تلاش خویش را در فراگیری دانش و حقیقت به‌کار می‌بندد. علم سبب رشد عقلانی انسان است و استعدادهای نهفته‌ی وجودی را به فضیلت می‌رساند. امام صادق (علیه‌السلام) در سخنی فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ»^۷، درس‌خواندن و مطالعه‌ی مستمر و زیاد عقل را شکوفا می‌کند. حضرت علی (علیه‌السلام) نیز به‌کمیل فرمودند: «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ»^۸، هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت جز اینکه درباری آن شناخت لازم را داشته‌باشی.

۱۰. آزادی اندیشه

در خانوادگی اهل نیایش و مسجد امکان اندیشیدن برای همگان فراهم است؛ روحیه‌ی تحقیق و تتبع نتیجه‌ی آزادی اندیشه است. در چنین خانوادگی حس کنجکاوی فرزندان تحریک می‌شود و در نتیجه میل به فکرکردن، مطالعه و تحقیق افزایش پیدا می‌کند و این خود مؤثرترین فعل تربیتی است؛ زیرا فرزندان به توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود واقف می‌شوند و به هر چیزی که در اطراف آنان می‌گذرد با دقت و کنجکاوی می‌نگرند.

^۶. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵، ح ۹.

^۷. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۵۹.

^۸. همان، ج ۷۴، ص ۲۶۷.

در چنین خانوادگی اهل مسجدی قدرت اندیشیدن و مواجهه با اندیشه‌های دیگران بسیار تقویت می‌شود. تربیت یعنی حرکت به سمت بهتر شدن، یعنی راضی و قانع نبودن به وضع موجود و اینکه انسان هنوز وظایف خود را به‌خوبی انجام نداده است. بنابراین، انسان با امید و اعتماد به آینده قدم‌هایی برای ادای مطلوب وظایف بر می‌دارد و لازمه‌ی این امر داشتن آزادی اندیشیدن است که زمینه و بستر آن در خانوادگی اهل مسجد وجود دارد. درضمن، میان آزادی در اندیشیدن و امید به آینده رابطه‌ی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به هر میزان انسان‌ها قدرت اندیشیدن بیشتری داشته باشند، به آینده امیدوارتر می‌شوند و برعکس، ناامیدی در میان کسانی پرورش می‌یابد که فقط به یک قرائت و نوع اندیشیدن پابند باشند و آنچه را خود می‌اندیشیده‌اند، مطلق بدانند.

۱۱. مقاومت در برابر سختی‌ها

خانوادگی اهل مسجد به‌خوبی در برابر سختی‌ها مقاومت می‌کند؛ زیرا می‌داند مواجهه با سختی‌ها مربی، مکمل، صیقل‌دهنده، جلابخش و کیمیاست. دانشمندان معتقدند بزرگ‌ترین دشمنی‌ای که می‌توان در حق کودکان کرد این است که پدران و مادران ناآگاه از اصول تربیتی برای مهربانی‌کردن به فرزندانشان از این روش‌ها استفاده کنند: نوازش‌های بی‌حساب، مانع‌شدن از روبه‌رویی با سختی، نازپرورده بار آوردن آنان و امثالین‌ها.

ژان ژاک روسو در کتاب امیل می‌گوید: «اگر جسم در آسایش بیش از اندازه باشد، روح فاسد می‌شود. کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می‌شناسد و نه طراوت رحم را. چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب شایسته‌ی معاشرت نیست؛ زیرا مانند دیوی خواهد بود در میان آدمیان».

۱۲. اعتدال

اساس خانوادگی متعادل و مسجدی بر اعتدال بنا شده است؛ بنابراین به افراط و تفریط کشیده نمی‌شود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند. امت میانه یعنی امتی که همه‌ی برنامه‌هایش در حد اعتدال باشد و باید توجه داشت که راه و رسم اعتدال کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بر تو باد میانه‌روی؛ زیرا یاری‌کننده‌ترین چیز برای خوب زندگی کردن است». درحقیقت، سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است. روانشناسی تربیتی ثابت کرده است هرگاه انسان از مسیر اعتدال خارج شود، نقطه‌ای آغاز انحراف و گمراهی وی خواهد بود پس خانوادگی اهل مسجد آن خانوادگی شایسته‌ای است که اعتدال را در همه‌ی زمینه‌ها رعایت و اجرا کند. اعتدال یکی از ارکان خانوادگی اهل مسجد است؛ برای مثال در مسائل اقتصادی ریخت‌وپاش وجود ندارد و سختگیری بی‌حساب نیست.

۱۳. اقتصاد مناسب

اقتصاد مناسب و شایسته ویژگی دیگر خانوادگی اهل مسجد است. پیشوایان معصوم (علیهم السلام) تدبیر اقتصادی را بخشی از دین و از نشانه‌های مؤمن برشمردند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ... مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ»^۹، از نشانه‌های مؤمن... تدبیر نیکو در معیشت (اقتصاد) است. غفلت از مال یا سوءتدبیر درخصوص آن زاینده فقر و فقر نیز زمینه‌ساز کفر است. تأمین آبرومندانه و کریمانه‌ی معیشت خانواده از ویژگی‌های مطلوب خانوادگی مسجدی و مؤمن است.

همچنین، لازمه‌ی داشتن اقتصاد مناسب‌کار، تلاش و فعالیت است. کار و تلاش از عوامل خوش‌بختی و سعادت انسان، مایه‌ی نجات او از افسردگی، موجب شادی و نشاط روان و سبب رشد و سلامت اعضاست. بخشی از درگیری‌های خانواده سستی‌ها و سردی‌ها در روابط و بی‌اعتنایی به حقوق و مقام همسر است. خانوادگی مسجدی به این مسائل وقوف کامل دارد و اقتصادی مناسب و شایسته دارد.

۱۴. ساده‌زیستی

با بررسی‌ای عاقلانه درباره‌ی زندگی‌های تجملاتی و تشریفاتی به این نتیجه می‌رسیم: چنانچه زندگی‌مان با نظم و حساب و قناعتی صحیح همراه باشد، با پرهیز از چشم‌وهم‌چشمی و بی‌اعتنایی به حرف‌های بی‌ارزش افراد

^۹. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۶.

نادان، ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها از بین می‌روند و به آرامش واقعی می‌رسیم؛ زیرا آسایش واقعی در ساده‌زیستی نهفته است.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به کمترین مقدار از نعمت‌های دنیا بسنده می‌کرد. کم می‌خورد، کم می‌نوشتید و جامه‌ای بسیار ساده می‌پوشید. زندگی او در خانه بی‌تکلف و آکنده از عشق، آرامش و محبت بود. از غذایی که به آن رغبت نمی‌کردند عیب‌جویی نمی‌کردند، روی زمین می‌نشستند و با بینوایان غذا می‌خوردند».

خانواده‌ی اهل عبادت و مسجد نیز با الگوبرداری از زندگانی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پیشوایان دین، که کامل‌ترین نوع زندگانی را داشتند، ساده‌زیست هستند؛ زیرا تجربه ثابت کرده است اگر خانواده‌ها از مسیر ساده‌زیستی خارج شوند و به عرصه‌ی رقابت و چشم‌وهم‌چشمی وارد شوند، همه‌ی نیرو و توان آنان در این زمینه هدر می‌رود و از تکامل حقیقی فاصله خواهند گرفت.

۱۵. تربیت عقلانی

تربیت عقلانی شاخصی ممتاز خانواده‌ی مسجدی است؛ زیرا در وجود انسان هیچ موهبتی به اندازه‌ی عقل و نیروی تفکر ارزش حیاتی و انسانی ندارد. اصولاً قوای خدادادی و موهبت‌ها هنگامی برای انسان سودمند هستند که تحت رهبری و اختیار کامل عقل باشند. همچنین، مواهب اکتسابی فقط از طریق به‌کارگیری قوای عقلانی و نیروی تفکر به‌دست می‌آید. داشتن موهبت ایمان، معرفت، دانش و حتی موهبت‌های زودگذر مادی در سایه‌ی تعقل و تفکر امکان پیدا می‌کند. همچنین، هر نوع تکامل و ترقی معنوی و مادی انسان مرهون به‌کارگیری این موهبت بزرگ و مقدس است. از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است: «خداوند به بندگان چیزی بهتر از عقل نبخشیده است؛ زیرا خوابیدن عاقل از شب‌بیداری جاهل و نادان بهتر است و در منزلت عاقل از مسافرت جاهل (به‌سوی حج و جهاد) نیکوتر است و خداوند پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر زمانی که عقل او کامل شد و بر عقول همه‌ی امتش برتری یافت».

۱۶. تصمیم‌گیری و قاطعیت

در خانوادگی که اعضای آن حضوری فعال در مسجد دارند، افرادی ظاهر می‌شوند که انسان‌هایی با اراده و جدی هستند و همیشه هنگام انجام دادن کارها اراده را حاکم می‌کنند، نه عادت را. اراده‌ی استوار و تصمیم قاطع است که می‌تواند در لحظات حساس زندگی دودلی و سستی را از بین ببرد و انسان را از پیچ‌وخم مشکلات عبور دهد و در مخاطرات یاری کند.

با مطالعه‌ی تاریخ درخشان زندگانی کاشفان، مخترعان، سیاست‌مداران و متفکران بزرگ به این حقیقت می‌رسیم که همه‌ی پیشرفت‌ها و موفقیت‌های آنان مرهون اراده‌ی قوی، عزم راسخ و پشتکار فوق‌العاده بوده است و وقتی برای رسیدن به هدفی تصمیم می‌گرفتند هیچ مانعی نمی‌توانست آنان را از تصمیم‌شان منصرف کند و تردید و تزلزل را جانشین آن سازد. حضرت علی (علیه‌السلام) نمونه‌ی کامل قاطعیت و استواری در تصمیم‌گیری و تسلیم‌ناپذیری است. ایشان در سخن پرار جی، که نشان‌دهنده‌ی همت بلندشان است، فرموده‌اند: «وَاللَّهِ لَوْ تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا»^{۱۰}، سوگند به خدا اگر تمام عرب به جنگ با من برخیزند هرگز در صحنه‌ی نبرد پشت به آنان نخواهم کرد». همچنین، هنگامی که پرچم را در جنگ جمل به دست پسرش، محمد حنفیه، داد با این جملات به وی درس قاطعیت آموخت: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ»^{۱۱}، اگر کوه‌ها متزلزل شدند، تو تکان نخور.

۱۷. اجتماعی‌بودن

خانوادگی که حضوری فعال در مساجد دارد، خانوادگی جدای از اجتماع و مردم نیست. نوع زندگی انسان و نیازهای او، همانند تهیه‌ی آب، غذا، مسکن، لباس، ابزارهای زندگی و ضرورت‌های آن در ابعاد گوناگون فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و امثال آن، انسان‌ها را به گردهمایی، تقسیم کار و تنظیم امور وادار می‌کند. انسان به لحاظ میل باطنی خویش با دیگران رابطه، معاشرت و همزیستی دارد. حتی اگر ترس از حیواناته نیازهای

^{۱۰}. نهج البلاغه، ص ۴۱۸.

^{۱۱}. همان، ص ۵۵.

متنوع یا عوامل دیگر وجود نداشت، باز هم انسان به زندگی اجتماعی تمایل داشت. براساس همین نکته است که انسان را مدنی بالطبع خوانده‌اند. در سخنان پیشوایان دین نیز به اجتماعی بودن انسان به‌صراحت اشاره شده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «بدانید که معاشرت مردم برای زندگی شما لازم است و کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد؛ زیرا وجود شما برای همدیگر لازم است».

اسلام خیر و سعادت خانوادگی متعادل را تأمین و تضمین می‌کند و دینی است که بسیاری از دستورهای آن در اجتماع تحقق پیدا می‌کند. حتی می‌توان گفت که مجموع برنامه‌های فردی آن نیز با اجتماع پیوند دارد و براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم شده است. نماز جمعه، نماز جماعت، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر و ده‌ها نمونه‌ی دیگر بیشترشان با توجه به مصالح فردی و اجتماعی تنظیم و مقرر گردیده‌اند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرموده است: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قِيدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ»^{۱۲}، هر کس به اندازی وجبی از اجتماع دوری گزیند، بند اسلام را از گردن خود درآورده است بنابراین خانوادگی پرورش یافته در مکتب مسجد در هیچ موقعیتی خود را از جامعه جدا نمی‌داند؛ بلکه در جامعه فعالیت می‌کند و همه‌ی تلاش خورد را برای ارشاد و بازسازی جامعه می‌کند.

۱۸. هدفمند بودن

از دیگر شاخصه‌های ممتاز خانوادگی اهل مسجد هدفمند بودن است. خانواده‌های هدفدار که شیوه‌ی رسیدن به هدفشان را در مکتب مسجد آموخته‌اند، نه تنها در زندگی شکست نمی‌خورند، بلکه احساس می‌کنند قدرت، اراده و اختیار فزون‌تری کسب کرده‌اند و سعی بیشتری در راه رسیدن به تکامل می‌کنند. روانشناسان معتقدند انسان در لحظه‌هایی رشد می‌کند که تصمیم می‌گیرد هدفی را دنبال کند و چنین افرادی در امور زندگی همواره موفق‌اند. البته باید بدانیم که در هر حرکتی چه می‌خواهیم، به کجا باید برویم و از چه ابزارهایی برای رسیدن به

^{۱۲}. لسن العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

مقصد بهره ببریم تا بتوانیم بهترین راه را برگزینیم؛ زیرا تا مقصد برآمان مشخص نباشد، انتخاب راه و رسیدن به آن مقدور نخواهد بود

افرادی که از محیط‌های کوچک، با امکانات کم و زمینه‌های نامساعد به موفقیت‌های شگفت‌انگیز دست یافته‌اند، این حقیقت را به‌خوبی ثابت کرده‌اند که انتخاب هدف و ایمان به آن می‌تواند ایشان را به اوج کمال برساند بسیاری از جوانان می‌پندارند که توفیق و خوشبختی هدف و کیمیایی است که خارج از وجود آنان است و اگر ستاره‌ی اقبال و شانس در آسمان زندگی کسی بدرخشد، او را به موفقیت و خوشبختی خواهد رساند. این‌گونه افراد باور ندارند که موفقیت زاییده‌ی اندیشه و عمل خود انسان است. انسان با ایمان، توکل به خدا و تلاش و کوشش خویش می‌تواند آینده‌ی خود را بسازد از این‌رو، موفق‌ترین افراد کسانی هستند که با تأسی به تعلیمات مکتب مسجد به عمق وجود خود پی می‌برند و عملاً عالی‌ترین بهره‌ها را از ذخایر وجودی خویش می‌برند. اصول ساده‌ی موفقیت و رسیدن به هدف عبارت است از:

۱. شکست را فراموش کنید؛ ۲. خود را بشناسید؛ ۳. فکر کنید و بر تفکر خود مسلط باشید؛ ۴. تصمیم درست و منطقی اتخاذ کنید؛ ۵. به خودتان اعتماد کنید؛ ۶. به پیروزی ایمان بیاورید و بدانید خواستن توانستن است

۱۹. تقسیم کار

در هر خانه کارهای گوناگونی وجود دارد، مانند کسب درآمد، خرید نیازهای زندگی، پخت‌وپز، نظافت و بسیاری از مسائل دیگر. طبیعی است که انجام‌دادن این امور به دست یک تن بسیار طاقت‌فرسا است و شاید غیرممکن باشد؛ پس باید با تقسیم کار همه نیازهای خانواده را تأمین کرد. از این‌رو، هر یک از اعضای خانوادگی مسجدی باید متناسب با شأن و منزلت، ذوق و سلیقه و هنر و توان خود باری از زندگی را بر دوش گیرند.

حضرت علی (علیه‌السلام) و فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)، پس از ازدواج، از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درخواست کردند کارهای زندگی را بین آنان قسمت کند؛ آن‌چنان‌که هر یک وظیفه‌ی خود را بدانند و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

فرمودند: کارهای داخل خانه با فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و کارهای بیرون خانه با علی (علیه السلام) باشد. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بعدها فرمود: خدا می‌داند که این تقسیم مرا بسیار خرسند ساخت؛ زیرا از رنج وارد شدن در اجتماع مردان معاف شدم

۲۰. فداکاری

خانواده‌ی اهل مسجد در صدد است با ایجاد روح جمعی و تبدیل من انسانی به ما شور، عشق، احساس مسیئولیت، دلسوزی، فداکاری، ایثار و صمیمیت را در کالبد اجتماع بشری و یکایک افراد آن بدمد و آنان را از انحصار طلبی، انزوا طلبی و گوشه‌گیری باز دارد؛ زیرا مانع رشد و شکوفایی استعداد های انسانی می‌شود. تربیت شده‌ی مکتب مسجد در هر مقام و موقعیتی که باشد، همواره مصالح جمعی را بر خواسته‌های شخصی خود مقدم می‌دارد، فداکار است، درد اجتماع را درد خود می‌داند، در غم و شادی دیگران شریک است، خود را در برابر سختی‌ها و مشکلات اجتماعی مسیئول می‌داند و بی‌اعتنا نیست.

زندگی علی و فاطمه (علیهما السلام) الگویی برای همگان

خانواده‌ی علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) الگوی خانواده‌های اهل مسجد است. زندگانی این دو اسوه طبیعی، عادی، نشاط‌انگیز و روح‌پرور بود. این روح‌پروری به لحاظ صفا و سادگی زندگی آنان بود. آن‌ها در خانه‌ای کوچک، گلی، ساده و بی‌پیرایه زندگی می‌کردند که فقط سایبانی برای جلوگیری از تابش خورشید داشت و سقفی برای جلوگیری از باران. در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روزی وارد منزل زهرا (سلام الله علیها) شد و دید دخترش روی زمین نشسته است، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته است و شیر می‌دهد و با دست دیگر با آسیاب دستی گندم آرد می‌کند. اشک در چشمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حلقه زد و فرمود: «دخترم تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز».

حضرت علی (علیه السلام) به جنگ می‌رفت و جهاد می‌کرد و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) شمشیر خونین ایشان را می‌شست. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کانون خانواده را گرم می‌کرد و می‌دانست پیروزی حضرت علی (علیه السلام) در

عرصه‌های گوناگون تا حدود زیادی به اعتماد او به کانون خانواده مربوط است. حضرت علی (علیه‌السلام) از جبهه برمی‌گشت و حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) با مهربانی همیشگی خود او را دلگرم و تقویت می‌کرد، زخم‌هایش را می‌بست و کوفتگی بدنش را می‌زدود. البته حضرت علی (علیه‌السلام) مردی قدرشناس بود؛ وقتی به خانه می‌آمد حال حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را جویا می‌شد، از تن خسته‌اش سؤال می‌کرد و او را دلداری می‌داد؛ زیرا این دو دلدار هم بودند. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در مورد شخصیت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) فرمودند: «زهرا (سلام‌الله‌علیها) از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است».

باید توجه داشت که محیط خانوادگی پرورش‌یافته در مکتب مسجد، ضامن خوش‌بختی زن، ارج نهادن به ارزش‌های معنوی شوهر و اصالت‌دادن به آن‌هاست. همه‌ی ما بارها دیده و شنیده‌ایم که اکثر اختلاف‌ها، تلخی‌ها، سردی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها، جدایی‌ها و دیگر مشکلات به دلیل نبود ارزش‌های معنوی و فضایل انسانی در خانواده بوده‌است و برعکس همه‌ی شادی‌ها، گرمی‌ها، گذشت‌ها، پیوندها و سایر عوامل سعادت خانواده معلول وجود آن ارزش‌ها بوده است.

آنان که در ازدواج اصالت و ارزش را به مادیات و امتیازات ظاهری و غیرمعنوی داده‌اند، هرگز در سایه‌ی ثروت، رفاه و نعمت‌های بسیار روی سعادت را ندیده‌اند و لذت زندگی بی‌دغدغه و آرام را نچشیده‌اند. برعکس، روشن‌ضمیران و بلندمستانی که به دنبال مظاهر معنوی و ارزش‌های مکتبی، اخلاقی و انسانی بوده‌اند، باوجود فقر و مشکلات، زندگی عالی، لذت‌بخش و ارزشمندی پیدا کرده‌اند و این درسی است که حضرت علی (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به ما داده‌اند. در ادامه به نمونه‌هایی از رفتارها و سبک زندگی این دو بزرگوار اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمود: «به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، تا هنگام مرگ او، هرگز کاری نکردم که فاطمه (سلام‌الله‌علیها) غضبناک شود و فاطمه (سلام‌الله‌علیها) هم هیچ‌گاه مرا خشمگین نکرد و از دستوره‌ایم سرپیچی نکرد». این نخستین درس به زوجها در همه‌ی تاریخ خواهد بود.

۲. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در تولید کوشا بود و در مصرف حسابگر، زیاده روی نمی کرد و هرگز از حد متوسط جامعه قدمی فراتر نمی گذاشت و زندگی اش معمولاً پایین تر از حد متوسط بود
۳. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مانند زنان دوران جاهلیت آرایش و خودنمایی نمی کرد. ایشان خود را فقط برای شوهر خود می آراست.
۵. حضرت زهرا (سلام الله علیها) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) می فرمود: «ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیا می کنم چیزی از تو درخواست کنم که در توانت نیست». متأسفانه بعضی ها فراموش کرده اند که توقع های زیاد، بی مورد و غیر منطقی نشاط روحی و روانی خانواده را از بین می برد.
۶. هنگامی که همه ی سنگینی زندگی بر دوش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بود، چون کوه در برابر همه ی سختی ها می ایستاد؛ پس بر ماست که همچون او راه ایستادگی در مقابل سختی ها را بر خود هموار سازیم.
۷. مهریه ی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در حد بسیار معمول و مختصری بود و زندگی سعادت مندی داشت. .
۸. حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) در شب عروسی هر دو به عبادت خدا مشغول بودند تا شکر گزار نعمت عظمای ازدواج باشند
۹. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اصالت را به کارها و مسئولیت های خانه و خانواده می داد و معتقد بود آن لحظه ای که زن در خانه ی خود می ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد، به خدا نزدیک تر است.
۱۰. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وقتی با کودکان خود بازی می کرد، به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می پرداخت و مفاهیم ارزشمند انسانیت، شرف، احسان، نیکی و طرفداری از حق را در قالب اشعار ادیبانه به آنان می آموخت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این زمانه که انسان‌ها به بی‌هویتی، سردرگمی، اضطراب و پریشانی دچار شده‌اند، گرایش جوانان، نوجوانان و خانواده‌ها به مسجد می‌تواند راهنما و هادی نسل حاضر و آینده و روشن‌کننده باشد. خانواده اولین مرکزی است که کودکان همه‌چیز را در آن یاد می‌گیرند، از همه‌ی سکنت و آداب والدین تأثیر می‌پذیرند و خودآگاه و ناخودآگاه رفتار و خلق‌وخوی آنان را تقلید می‌کنند. مادر و پدر بدون اینکه تعهدی داشته باشند، سرمشق و الگوی کودکان می‌شوند. اگر مادر و پدر سعی کنند سرمشق نباشند، کودکان به سرمشق‌های دیگری روی خواهند آورد زیرا این نیاز فطری است.

تحقیقاتی که درباره‌ی جامعه‌ی غرب، به‌خصوص آمریکا، به همت محققانی چون پرفسور کوهن انجام شده است نشان می‌دهد که توسعه‌ی روزافزون جرم و بزهکاری نوجوانان در آمریکا نتیجه‌ی تحولی است که در خانواده‌های پدید آمده است. موقعیت نیک و بد خانواده نخستین و مهم‌ترین مدرس و موفق‌ترین کارگاه انسان‌سازی است. بیشترین دانسته‌ها، تجارب، فرهنگ‌ها، اخلاق و اندیشه از راه خانواده به کودک سرایت می‌کند. خلاصه‌ی کلام اینکه گرایش خانواده‌ها به مسجد راه حل بسیاری از معضلات و مشکلات فراروی بشر است. خانواده‌ی اهل مسجد خانواده‌ی متعادل و سالم در همه‌ی ابعاد و پرورش‌دهنده‌ی انسان‌های بزرگ است.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد